

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقاید خاصه شیعه

کرایش فقه و اصول

درس ۱۲

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی

آموزشیار: آقای کارگر

مقدمه:

رجعت به معنای بازگشتن است و مراد از آن زنده شدن و بازگشت گروهی ، (از نیکان و غیر آنها) بعد از حضرت قائم (عج) می باشد تا نیکان با مشاهده دولت آن بزرگوار شادمان شوند و به فیض نصرتش مفتخر گردند و انسان های بد نیز با مشاهده دولتی که هزگز نمی خواستند غمگین گردند و به ذلت و خواری برسند و عقوبت و عذاب ببینند.

در این درس تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی معنا و مفهوم رجعت از منابع مختلف، به مباحث مختلفی از جمله امکان وقوع رجعت و همچنین استدلال منکرین آن و پاسخ به ایشان با تکیه بر منابع اسلامی از جمله آیات و روایات پرداخته شود.

رجعت از نظر لغت

برای تحقیق و بحث پیرامون هر موضوع لازم است، ابتدا معنی لغوی آن را که اهل لغت بر آن وضع کرده‌اند (واژه) مورد توجه قرار داد و سپس کاربرد و معنی اصطلاحی، بررسی شود.

مؤلف کتاب «معجم مقائیس اللغه» می‌نویسد:

رجع: دلالت بر تکرار و بازگشت دارد، رجع یرجع رجوعاً، به معنی بازگشت است، سپس مواردی از کاربرد آن را نقل می‌کند:

۱. راجع الرجل امرأته: به معنای بازگشت از طلاق و قبول زوجیت است.
 ۲. الراجعة: اگر شتری را که بفروشد و دوباره مثلش را با همان پول خریداری کنند آن شتر دومی را راجعه می‌نامند.
 ۳. اعطيته كذا ثم ارتجعتہ: به معنی چیزی به او دادم سپس از او پس گرفتم.
 ۴. امرأة راجع: زنی که شوهرش بمیرد و او به منزل پدر بازگردد.
 ۵. الترجيع في الصوت: تردید و برگرداندن صدا.
 ۶. المرجوع: پاسخ‌نامه.
 ۷. الرجاع: بازگشت کبوتر پس از طی مسافت طولانی.
 ۸. ارجعت الابل: شتری که لاغر شده و سپس چاق و فربه شود، چون به حال اولی بازگشت از او به ارجاع تعبیر می‌شود.
 ۹. الرجع: باران، چون می‌بارد، سپس بخار می‌شود و دوباره تبدیل به ابر و باران می‌شود^۱ با تأمل در موارد کاربرد ماده (رجوع) با یک معنی مشترک در همه‌ی مثال‌ها مواجه می‌شویم و گویا تمام این مثال‌ها نیز در یک واژه با هم شریکند و آن: تصوّر نقطه‌ی شروع و حرکت از آن نقطه و سپس برگشت به همان نقطه شروع است. در سایر کتاب‌های لغت، واژه رجعت به این معنا شده است:
- کتاب «صحاح اللغه»: فلان يؤمر بالرجعة؛ یعنی امر کرده می‌شود به بازگشت به دنیا.
- کتاب «قاموس اللغه»: الرجعة؛ بازگشت به سوی دنیا.
- کتاب «مجمع البحرين»: الرجعة بفتح؛ یعنی برگشت پس از مرگ و بعد از ظهور حضرت مهدی (عج)، و آن از ضروریات مذهب است چنان که ائمه‌ی اطهار فرموده‌اند: هر کس به رجعت و متعه (عقد موقت) اعتقاد نداشته باشد از ما نیست.
- ابن اثیر در کتاب «نهایه» در معنی رجعت همین مضامین را ذکر و سپس به پیروان این عقیده فحاشی و اهانت کرده است.

رجعت از نظر اصطلاح

^۱ معجم مقائیس اللغه، ج ۲، ص ۴۹۰.

از نظر شیعه امامیه : عقیده به بازگشت ائمه‌ی معصومین و دو گروه از این امت شامل مؤمنین محض و کافرین محض پس از ظهور حضرت ولی‌عصر(عج) را رجعت می‌نامند.

این عقیده هر چند به پیروان مکتب اثنا عشریه اختصاص دارد و از ضروریات این مذهب به شمار می‌آید ، اما نظر به کثرت اخبار و دلالت ظاهر آیات بر این عقیده، گروهی از اهل سنت نیز آن را پذیرفته و جزء عقاید اسلام شمرده‌اند.

شاید بتوان گفت در کمتر مسأله‌ای به اندازه‌ی رجعت، این مقدار احادیث شریف از پیامبر اکرم و ائمه‌ی اطهار رسیده است، از این رو بعضی از علمای سنت نیز گرایش به آن یافته‌اند^۱ و بعضی از صحابه‌ی پیامبر و تابعین^۲ نیز به آن اعتقاد راسخ دارند؛ همانند ابوالطفیل کنانی صحابی و اصبع بن نباته تابعی :

۱. ابن قتیبه دینوری می‌گوید : ابوالطفیل پس از سال ۱۰۰ هـ . رحلت کرد ، او در تمامی جنگ‌های حضرت علی (ع) شرکت کرد و علمدار مختار بود و به رجعت نیز اعتقاد داشت.^۳

۲. عقیلی در کتاب خود به هنگام بردن نام اصبع بن نباته می‌گوید : او اعتقاد به رجعت داشت.^۴

امکان و وقوع

غالباً در پاره‌ای از مسایل کلامی ، اصول عقاید و علوم دیگر ، این دو عنوان مطرح است :

۱. امکان : یعنی آیا فلان امر شدنی است یا نه ؟ امکان دارد یا نه ؟

۲. وقوع : پس از بحث امکان ، سؤال دیگری مطرح است که : آیا همان مسأله‌ای که امکان ذاتی آن ثابت و مسلم شد ، واقع شده و یا واقع می‌شود؟ آیا نظایر آن در تاریخ اتفاق افتاده یا نه ؟
بر این اساس در این مسأله نیز این دو بحث مطرح است :

۱. آیا رجعت - به آن معنی که گذشت - از امور و مسایل ممکنه است و یا امتناع ذاتی دارد ، همانند اجتماع ضدین و یا اجتماع نقیضین^۵ و یا امتناع عرضی : مانند سلب تفکر از کسی که خواب باشد؟
با اندک تأمل و دقت می‌یابیم که رجعت از امور ممکنه است؛ زیرا آفرینش دو گونه است : گاه خداوند از هیچ و عدم ، چیزی را ایجاد می‌کند و گاه عناصر و اجزای پراکنده همان موجود را دوباره به هم پیوند می‌دهد. رجعت از قبیل آفرینش به معنی دوم است، و چنانچه آفرینش به معنی اول امکان داشته باشد، امکان آفرینش به معنی دوم اولی سزاوارتر و است.

^۱ تنبیه الامة فی مسألة الرجعة

^۲ چنانچه ابن ابی‌الدنیا (متوفای ۲۸۱ هـ) در این زمینه کتابی نوشته است به نام «من عاش الموت» و این نویسنده مورد تأیید عامه می‌باشد. رک : البدايه و النهاية، ج ۱۱، ص ۸ و تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۶۷۷.

^۳ المعارف، ۳۴۱، باب : « من تأخر موته من الصحابة » .

^۴ الضعفاء الكبير ، ج ۱ ، ص ۱۲۹ : قاموس الرجال ، ج ۲ ، ص ۶۸.

^۵ تناقض : دو امر وجودی و عدمی هستند که نه قابل اجتماعند و نه قابل ارتفاع ، تضاد : دو امر وجودی هستند که عارض بر ذات شده و قابل اجتماع نیستند ولی قابل رفع هستند.

به عبارت علمی، خداوند گاه شیء را به جعل بسیط، لا عن شیء و بدون سبق ماده ایجاد می‌کند و گاه امر به اتصال و اجتماع اجزاء و عناصر متفرقه و اعطای لباس حیات به اجزاء می‌نماید.

از نظر عقلی، کدام قسم مشکل‌تر است؟ اول یا دوم؟ در پاسخ می‌گوییم: قطعاً صورت دوم از صورت اول آسان‌تر است.

اینک، آیا آفرینش به معنی اول از نظر عقل ممکن است یا محال؟

چنانچه بگوییم: «ممکن است و نمونه‌اش همین موجودات خارجی است». باید آفرینش و ایجاد به معنی دوم را نیز ممکن بدانیم^۱ و بلکه سزاوارتر به امکان است و مناظره اُبی بن خلف با پیامبر اکرم امکان رجعت را کاملاً تأیید می‌کند.^۲

اما وقوع: در بحث‌های آینده ثابت می‌کنیم که رجعت در امت‌های پیشین و حتی در امت اسلام واقع شده و تاریخ بهترین گواه بر آن است.

منکران رجعت و پاسخ ما

مخالفان و منکران مسأله‌ی رجعت که قاطعانه منکر این عقیده‌اند به چهارگروه قابل تقسیم‌اند:

۱. گروهی منکر آفریدگار جهان و ادیان آسمانی هستند، و بدیهی است که مناظره با چنین اشخاصی پیرامون رجعت، بسیار بی‌معنی و بی‌نتیجه است، مگر این که ابتدا در اصل مبدأ و آفریدگار با آنها بحث کنیم و سپس به مسائل فرعی بپردازیم؛ زیرا این مسأله نسبت به پذیرش خالق و توحید و ادیان آسمانی مسأله‌ای فرعی است.

۲. گروهی به خداوند، و یا به یکی از ادیان آسمانی - غیر از اسلام - معتقدند، در این صورت پیش از ورود به مباحث جزئی و مسائل جانبی هر چند ضروری با این افراد، باید ابتدا از منسوخ شدن (باطل شدن) ادیان پیشین توسط ادیان آسمانی بعد، و بحث از نبوت حضرت محمد (نبوت خاصه) و نسخ شدن ادیان قبل با آمدن آیین مقدس اسلام، و سپس بحث از خاتمیت پیامبر اسلام (ص) و... سخن به میان آورد و در مرحله‌ی آخر، بحث رجعت را مطرح نمود.

۳. چنانچه مخاطب ما پایبند به اسلام باشد، ناچار به پذیرش عقیده‌ی رجعت است، زیرا ادله‌ی نقلی و روایات و احادیث بسیاری پیرامون این مسأله از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است، به طوری که جایی برای هیچ گونه انکار و نفی نمی‌ماند. چنین فردی هر چند احادیث ائمه‌ی اطهار را قبول نداشته باشد (سنی باشد) و تواتری که از این راه پدید می‌آید برای او موجب قطع و یقین نگردد، چون از طریق راویان مورد قبول مذهب خود، احادیث متعددی از پیامبر و یارانش نقل شده، جز پذیرفتن مضمون آن و اعتقاد به رجعت چاره‌ای ندارد.

^۱ البته ضیق تعبیر و یا مسامحه است، زیرا رجعت را آفرینش نمی‌گویند، و ما فقط برای توضیح استدلال، چنین تعبیر کردیم.

^۲ از ابن عباس نقل شده: شخصی به نام اُبی بن خلف خدمت رسول الله (ص) مشرف شد و در حالی که استخوان پوسیده‌ای به دست داشت، پرسید: یا محمد(ص)؛ زمانی که استخوان هایمان پوسید و از بین رفت، آیا معقول است که دوباره خدا ما را برانگیزد و زنده کند؟ سپس به عنوان تمسخر و طعن، استخوان را در دستش خرد کرده و در فضا پاشید، در حالی که می‌گفت: ای محمد(ص) چه نیرویی می‌تواند این ذرات پراکنده را دوباره زنده کند؟ پیامبر فرمود: آری (خداوند قادر است) تو را می‌میراند و سپس زنده می‌کند و در آتش دوزخ می‌اندازد. سپس این آیه نازل گردید: «و ضرب لنا مثلاً و نسئ خلقه» (یس / ۷۸)، (الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۶۹)

۴. چنانچه مخاطب ما به مذهب راستین تشیع معتقد است ، در این صورت با ادله‌ی چهارگانه قرآن ، سنت ، اجماع عقل صحّت اعتقاد به رجعت را برای او ثابت می‌کنیم.

در این مبحث، مخاطب سخن خود را گروه سوم یعنی کسانی که قرآن و احادیث پیامبر اکرم (ص) را پذیرفته‌اند (اهل سنت) و گروه چهارم یعنی کسانی که به علاوه ، روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را پذیرفته‌اند (شیعه) قرار داده‌ایم.

فصل دوم

رجعت و آیات

چنانکه در فصل‌های قبل اشاره نمودیم ، از برخی آیات قرآن نیز می‌توان موضوع رجعت را استنباط کرد. در این بخش رجعت را از منظر آیات مورد بررسی قرار می‌دهیم. آیات مورد بحث را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود که : بعضی کبرای بحث را ، و دسته‌ی دیگر صغرای بحث و دسته‌ی سوم وقوع رجعت در امت‌های پیشین را در بر دارد .

بخش اول :

آیاتی که بر امکان رجعت دلالت دارند :

۱. «ان الله علی کل شیء قدیر»^۱؛ به درستی که پروردگار بر همه چیز تواناست.

تقریب استدلال : رجعت از امور ممکنه است ، و قدرت خداوند نیز بدون استثنا به تمام ممکنات تعلق می‌گیرد، بنابراین خداوند بر رجعت و بازگرداندن در همین دنیا قادر است.

بدین ترتیب منکر رجعت ، یا باید در صغرای موضوع بحث داشته باشد ، یعنی بگوید : رجعت از ممکنات نیست تا آیه شریفه آن را در برنگیرد !!

و یا کبرای موضوع را تصدیق نکند ، بدین معنی : که خداوند بر تمام امور ممکنه قادر نیست که البته بطلان هر دو ادعا بدیهی است.^۲

۲. « الیس ذلک بقادر علی أن یحیی الموتی »^۳؛ آیا آن خالق - پروردگار - توانایی زنده کردن مردگان را ندارد؟

استدلال : احیای موتی یعنی بازگردانیدن مردگان ، همه یا بعضی از مردم ، به ویژه اگر صورت دوم مراد باشد ، اثبات ادعای ما محسوب می‌شود زیرا ما قائل به رجعت یعنی بازگشت گروهی از مردم می‌باشیم.

^۱ حج / ۶

^۲ و یا این که بگوید : لزومی ندارد که هر چه مورد قدرت خدا باشد واقع هم بشود !!! در جواب می‌گوییم : آری ولی اولاً ما می‌خواستیم از این آیات امکان آن را ثابت کنیم نه وقوع ، ثانیاً فرض کنیم که لازمه‌ی هر امکان وقوع نیست ولی در اینجا نظر به روایات زیادی که این مطلب را از ضروریات شمرده‌اند باید این تلازم را بپذیریم.

^۳ القیامة / ۴۰

و چنانچه مراد صورت اول باشد باز هم ادعای ما ثابت می‌گردد، چون رجعت یکی از صغری‌ها و مصادیق احیاء موتی و زنده شدن است و استفهام تقریری که در آیه‌ی مبارکه ذکر شده (الیس ذلک) به این مصداق نیز تعلق خواهد گرفت.

۳. « قال من یحیی العظام و هی رمیم * قل یحییها الذی انشأها اوّل مرّة و هو بکلّ خلق علیم » ؛ گفت چه کسی زنده می‌کند استخوان‌ها را ، در حالی که پوسیده است ؟ بگو : زنده می‌کند آن را ، آن که بار اوّل آن را آفرید ، و به تمام مخلوقات داناست .

دلالت این آیه بر امکان رجعت بسیار واضح است؛ چرا که پروردگار در مقام پاسخ به کسانی است که قیامت و احیاء مردگان را انکار نموده ، و رجعت هم نوعی از احیاء موتی است.

چکیده :

۱. رجعت در لغت به معنای بازگشت بوده و در اصطلاح امامیه عبارت است از اعتقاد به بازگشت ائمه معصومین و مؤمنین محض و کافرین محض پس از ظهور امام زمان (عج) .
۲. مسأله رجعت در دو بخش امکان و وقوع مورد بررسی قرار می‌گیرد .
۳. رجعت از امور ممکنه است؛ زیرا وقتی آفرینش انسان از هیچ ممکن باشد به طریق اولی پیوستن اجزای پراکنده شده او به یکدیگر ممکن خواهند بود.
۳. منکران رجعت با توجه به شیوه مناظره با آنها به چهار دسته اند که عبارتند از :
منکران خدا و ادیان آسمانی؛ در پاسخ به این گروه، نخست باید به اثبات خداوند و ادیان الهی و دین اسلام پرداخت.
- معتقدین به ادیان الهی غیر از اسلام؛ در پاسخ به این گروه، نخست باید فسخ ادیان گذشته به وسیله اسلام را مطرح نمود.
- مسلمین غیر شیعه؛ توجه به احادیث نقل شده از پیامبر (ص) در اثبات رجعت برای این گروه کافی است.
- شیعیان؛ در اثبات رجعت برای این گروه می‌توان به قرآن، سنت، عقل و اجماع تمسک کرد.
۵. با توجه به امکان عقلی رجعت، آیاتی از قرآن که دلالت بر قدرت بی پایان خداوند دارد، قدرت خداوند بر رجعت را اثبات کنند.
۶. آیاتی دیگر از قرآن مستقیماً بر امکان رجعت دلالت می‌کنند.